

تبیین راهبرد «نرمش قهرمانانه» در کلام رهبر معظم انقلاب

mirarab@isca.ac.ir

فرج‌الله میرعرب / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۴

چکیده

داشتن راهبرد یکی از مهم‌ترین و اصولی‌ترین نیازهای مدیران و حاکمان کشورهاست؛ زیرا تاکتیک موفق و مانور مفید، متوقف بر داشتن مبانی قوی و راهبردهای متنقن است. پس از انقلاب اسلامی، رهبری نظام اسلامی، راهبردهای قوی می‌ارائه کرده که ضامن بقای نظام اسلامی بوده است. راهبردهای سیاسی امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، عزت، عظمت، پیشرفت و صلابت نظام را تأمین کرده، مانع سلطه دشمن بر این کشور بوده است. یکی از راهبردهای رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، نرمش قهرمانانه، در حوزه سیاست خارجی و تعاملات بین‌المللی است که از سخن و سیره رسول خاتم صلوات الله علیه و اهل بیت علیهم السلام گرفته‌اند.

این راهبرد، در مقام اجرا باید تاکتیک هوشمندانه داشته باشد و در عین صلابت و اقتدار، با دوری از هیجان، پرهیز از ایجاد التهاب و رعایت مقتضیات زمان اجرایی شود. مدیریت اجرایی کشور باید با تاکتیک مناسب، زمان و شرایط اجرایی این راهبرد را فراهم کند و ضمن برقراری توازن بین واقع‌گرایی و آرمان‌خواهی، ذیل سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، قدرت مانور بین «اقتدار» و «انعطاف» را فراهم نماید. نرمش قهرمانانه، نه تخاصم جاهلانه است و نه سازش منفعلانه؛ بلکه تاکتیکی معقول، سازمان یافته و سنجیده که مجری سیاست خارجی در عین ادب، شدید و سخت است و با شناخت دقیق دشمن و هنرمندی در مانور، راه قهرمان شدن را هموار می‌کند.

کلیدواژه‌ها: راهبردهای سیاسی، نرمش قهرمانانه، سیاست خارجی، قرآن، پیامبر صلوات الله علیه، اهل بیت علیهم السلام.

انسان نیازمند زندگی اجتماعی و روابط عادلانه متقابل با هم‌نوعان خویش است. انسان‌ها نمی‌توانند مدت طولانی در فضای تعارض زندگی کنند. اینکه انسان‌ها باید دست از اربابی‌گری بردارند (آل‌عمران: ۶۴) و در یک زندگی تعاونی در مسیر خیر و بر مبنای تقوا (مائده: ۲)، به تلاش برای رسیدن به خیر و کمال با هم مسابقه بدهند (حدید: ۲۱؛ فاطر: ۳۲)، دستور خدای متعال و خواست فطری انسان است. براین‌اساس، خواست خدای متعال، روابط محبت‌آمیز و دوسویه انسان‌ها با یکدیگر است. برای نیل به این هدف، خداوند راهکارهای تبدیل دشمنی به دوستی را بیان کرده است: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴)؛ نیکی با بدی برابر نیست؛ به بهترین شیوه (دیگران را از چالش با خود) باز دار، ناگاه آن کس که میان تو و او دشمنی است چون دوستی مهربان می‌گردد.

در تعالیم الهی، پس از بندگی و دوری از شرک، احسان به والدین، نزدیکان، یتیمان، مساکین، همسایه دور و نزدیک، در راه مانده و... مورد تأکید است (نساء: ۳۶). در این آیه برای نیکی به گروه‌های یاد شده، شرط ایمان وجود ندارد و ظاهراً انسان بودن کافی است. خدای متعال به اقوام و ملت‌ها تذکر می‌دهد که مواظب باشند امور ظاهری مانع روابط انسانی آنها نشود و قبایل و شعوب، به شناخت یکدیگر اقدام کنند (حجرات: ۱۳).

با توجه به این مبنای، رهبر فرزانه انقلاب تأکید فرموده‌اند که باید تلاش شود «مرزهای جغرافیایی نتواند ملت‌ها را در مقابل هم قرار بدهد؛ این از درس‌های پیغمبر ﷺ است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۰/۱۹).

در صدر اسلام، که مسلمانان چند سالی تحت فشار قرار گرفته بودند و با فشار قریش و تبلیغات مشرکان و دسیسه‌های یهود، روابط آنان با دیگران دچار مشکل شده بود، احساس خوبی از این وضع نداشتند. آنان مایل بودند در حد امکان با سایر اقوام روابط برقرار کنند. قرآن کریم به این مهم توجه کرده و در آیه‌ای علاقه به روابط با هم‌نوع را تحسین کرده و عنایت خود را به تغییر اوضاع و احوال برای تبدیل دشمنی‌ها به دوستی ابراز نموده و به مسلمانان بشارت داده که وضع این چنین نمی‌ماند:

«عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸-۷)؛ امید است خداوند میان شما و کسانی از آنان که با هم دشمنی دارید، دوستی اندازد و خداوند تواناست و خداوند آموزنده‌ای بخشاینده است. خداوند شما را از نیکی ورزیدن و دادگری با آنان که با شما در کار دین جنگ نکرده‌اند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نرانده‌اند باز نمی‌دارد؛ بی‌گمان خداوند دادگران را دوست می‌دارد.

پس مسلمانان می‌توانند با کسانی که در اثر فتنه و توهمات غلط، بنای دشمنی با اسلام و مسلمانان دارند، ارتباط برقرار کنند. اما کسانی که ظالمند و در این ظلم تعمد دارند، لایق دوستی نیستند. و هر کس با ایشان طرح دوستی بریزد، در صف ظالمان و دشمنان مسلمانان خواهد بود:

«إِنَّمَا يَهْتَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه: ۹)؛ خداوند تنها شما را از دوست داشتن کسانی باز می‌دارد که با شما در کار دین جنگ کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند و (یا) از بیرون راندنتان پشتیبانی کردند و کسانی که آنان را دوست بدارند ستمگرند.

این یک اصل اساسی در روابط سیاسی و اجتماعی اسلام است. آنچه مهم است اینکه دولت‌های ستمگر، که بر این ستم خود اصرار دارند، گرچه توگی در مورد آنان روا نیست، ولی قطع روابط مطلق نیز تبعات خسارت‌باری برای کشور دارد؛ زیرا جهان، بخصوص در عصر ما، از نظر تأمین نیازها، پیوستگی پیچیده‌ای دارد. اگر به‌طور کلی روابط قطع شود، ممکن است حقوق مردم در تأمین بخشی از نیازها، از بین برود. برای تأمین این حقوق، باید به گونه‌ای رفتار کرد که تا حد امکان، از امکانات آنان استفاده و از نظر تبلیغاتی هم چهره دشمنان برای مردم جهان آشکار شود و آنان نتوانند با استفاده از امپراطوری رسانه‌ای، دیگران را با خود هم داستان کنند. براین اساس، ممکن است گاهی لازم باشد مذاکرات و گفت‌وگوهایی صورت گیرد و حتی روابط محدودی برقرار شود.

در چنین فضایی، تاکتیک نرمش قهرمانانه (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲۹) و مانور هنرمندانه (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴)، به‌عنوان یک مهارت دیپلماتیک، برای مقابله با دشمن، کارساز است. به بیان رهبری معظم، این مهارت دیپلماتیک: نرمش قهرمانانه است که صلح امام حسن مجتبی علیه السلام پرشکوه‌ترین نمونه تاریخی آن به‌شمار می‌رود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۵/۲۲). البته، شرایط ما و امام حسن علیه السلام به کلی متفاوت است، آنچه باید مورد توجه باشد، اصل حرکت تاکتیکی امام مجتبی علیه السلام در اجرای این راهبرد است. رهبری معظم می‌فرمایند:

امام حسن علیه السلام برای برداشتن نقاب از چهره زشت امویان و زدودن لعاب رنگینی که معاویه بر روی خود کشیده بود، شرایطی فراهم کرد و کاری کرد که معاویه و دیگر قهرمانان باند اموی با همان واقعیت جاهلی و با همان دل‌های بیگانه از روح اسلام و سینه‌های پر کینه‌ای که لطف و محبت‌های اسلام سر مویی از کینه‌های بدر و حنین را از آن نزدوده بود، به مردم معرفی شوند (آل‌یاسین، ۱۳۷۱، ص ۹).

نکته قابل توجه در این بیان، توجه به بعد تاکتیکی و هدف‌گذاری در نرمش است. امام علیه السلام در عین اینکه

از نظر نیرو و امکانات سخت در مضيقه بودند، ولی راهبرد نرمش را در قالب تاکتیکی بسیار دقیق اجرا کردند و توانستند شقاوت و فساد درونی بنی‌امیه را برملا سازد، چنان‌که رهبر معظم انقلاب در ادامه روش امام حسن علیه السلام را چنین تبیین کرده‌اند:

روش امام حسن علیه السلام به حقیقت انقلابی کوبنده بود در پوشش مسالمتی اجتناب‌ناپذیر و فراهم آمده شرایطی خاص، یعنی درهم آمیخته شدن حق و باطل و مسلح شدن باطل به حرب‌های خطرناک و قدرتی عظیم (همان).

اگر نرمش یک تاکتیک صرف بود، باید به همان ماجرا ختم می‌شد، ولی نرمش یک راهبرد است که هر مدیر و حاکمی با توجه به شرایط عصر خود، تاکتیک مناسب آن را اجرا می‌کند. چنان‌که رهبری می‌فرماید: «امام حسن علیه السلام نخستین پدید آورنده این خط مشی نبود؛ همچنان که به کار بستن این روش به او ختم هم نشد. او این روش را از گذشتگان خود گرفت» (همان).

پس، مهم این است که ما اصل «خط مشی» را بفهمیم و به اقتضای زمان و شرایط زمانی خود، مسالمت یا نرمش را اجرایی کنیم.

البته، گاهی هم مذاکره و نرمش با دشمن معنا ندارد. آن‌گاه که دشمن می‌خواهد فرصت پیروزی را از سپاه حق بگیرد، رهبری بیدار باید بیاستد و اجازه رخنه ندهند. امام خمینی علیه السلام در مورد کسانی که تلاش می‌کردند ایران را وادار به صلح با صدام کنند، فرمودند:

هستند اشخاصی که می‌گویند که بیاید صلح بکنیم، بیاید یک سازشی بکنیم. ما از تاریخ باید این امور را یاد بگیریم؛ به حضرت امیر تحمیل کردند، مقدسین تحمیل کردند، آنهایی که جبهه‌شان داغ داشت و اضر (پرضرترین) مردم‌اند بر مسلمین... ما از آن قضیه باید عبرت بگیریم... آن صلح تحمیلی که در عصر امام حسن علیه السلام واقع شد و آن حکمیت تحمیلی که در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام واقع شد، هر دویش به دست اشخاص حیل‌گر درست شد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۱۱۸ و ۱۱۹)

فهم و تشخیص این حقیقت، همه را نیازمند رهبری الهی می‌کند.

معنای نرمش قهرمانانه

برای فهم معنای این اصطلاح که ابتکار مقام معظم رهبری است، باید به کلمات خود ایشان مراجعه کرد. همچنین باید دقت کرد تا دچار بدفهمی و یا ارائه معنای مغرضانه‌ای از اصطلاح یاد شده نشویم. ایشان فرموده‌اند:

ما تعبیر نرمش قهرمانانه را به‌کار بردیم. یک عده‌ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمان‌ها و

هدف های نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب نشینی از اصول خودش متهم کنند. اینها خلاف بود، اینها بدفهمی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

از این رو، ایشان توضیح می دهند:

نرمش قهرمانانه برخلاف برخی تفاسیر، معنای واضحی دارد که نمونه آن در مسابقه کشتی نمایان است. در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است، اگر کسی قدرت داشته باشد، اما انعطاف لازم را در جای خود به کار نگیرد، قطعاً شکست می خورد، اما اگر انعطاف و قدرت را به موقع مورد استفاده قرار دهد، پشت حریف را به خاک می نشاند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۵/۲۲).

پس، این نرمش نوعی تاکتیک مبارزه با دشمن و رقیب است و هیچ فشار و کمبودی نرمش کننده را وادار به اجرای این نقشه نکرده است. به همین دلیل، ایشان فرموده اند:

نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا، در هر نوع سلوکی، به سمت آرمان های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می کند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود. «وَمَنْ يُوَلِّمْ يَوْمئذٍ دُبْرَهُ أَلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ» (انفال: ۱۶)؛ هرگونه حرکتی، چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب، مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

فرار از جنگ کاری زشت و ناپسند است که اسلام تنبیه و مجازات برای آن وضع کرده، است. ولی در آیه مورد استشهاد رهبری، دو نمونه فرار در جنگ، استثناء شده که در ظاهر فرار است، اما در واقع تاکتیکی برای جهاد مفید و مؤثر است: ۱. نمونه ای که از آن تعبیر به «مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ» شده است. «متحرّف» از ماده «حرف» به معنای کناره گیری از وسط به اطراف و کناره هاست، منظور این است که جنگ جویان به عنوان یک تاکتیک جنگی، از برابر دشمن بگریزند و به کناری بروند که او را به دنبال خود بکشاند و ناگهان ضربه غافل گیرانه بر او وارد کنند و یا به صورت جنگ و گریز دشمن را خسته کنند و به قول عرب ها «الحرب کر و فر»؛ جنگ حمله و گریز است. ۲. جنگجویی خود را در میدان تنها ببیند و برای پیوستن به گروه جنگجویان فرار کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۱۳)؛ یعنی برای جابه جایی تاکتیکی و یا طراحی حمله دسته جمعی و یا اطلاع رسانی به مسلمانان و یا حفظ سنگر مهمتر و موقعیت بهتر، از مقابل دشمن بگریزد (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۴۸۸-۱۴۸۹).

این گونه فرارها، همان نرمش تاکتیکی برای پیروزی است و موجب حفظ نیروها و تاثیر گذاری بیشتر بر آنهاست. فعال در خط مقدم نبرد سیاسی هم گاهی فرار دارد، ولی شمشیرش را نمی اندازد و از

صوت دشمن نمی‌ترسد، بلکه چنان است که رهبری معظم فرموده‌اند: «می‌گویم: شما تیزتر از شمشیر و نرمتر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشید، (پس) نرمشی که تیز است، مقصور است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۵/۱۷).

به طور خلاصه: «نرمش قهرمانانه در مقام اجرا، تاکتیک و مانوری هنرمندانه است که توسط عناصر خط مقدم سیاست خارجی کشور اجرایی می‌شود و با کرّ و فرّ و نرمشی تیز اهداف نظام اسلامی تأمین می‌شود.

متعارف بودن نرمش در عالم دیپلماسی

«نرمش» در عالم سیاست، امری عمومی و فراگیر است و مختص ملت و دولت خاصی نیست. به بیان مقام معظم رهبری،

«عالم دیپلماسی، عالم لبخند زدن است؛ لبخند هم می‌زند، مذاکره هم می‌کنند، درخواست مذاکره هم می‌کنند، خودشان هم می‌گویند... آدم با دشمن مذاکره می‌کند!» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۶). پس، گرچه آنان ما را دشمن می‌دانند و ما هم آنان را دشمن می‌دانیم، باید متوجه این نکته در روابط و گفت‌وگوهای خود باشیم و در عین حال با دشمن خود مذاکره کنیم. حال ما می‌توانیم از این روش و عرف جهانی با دشمن خود استفاده کنیم، ولی باید در مذاکره زیرک و قوی باشیم. بر همین اساس، رهبری معظم تأکید کرده‌اند:

ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سالها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

پس، بهره‌گیری از تاکتیک نرمش در عالم انسانی متداول است، آنچه مهم است شناخت نوع صحیح نرمش، در تعامل یک مسلمان با دشمن خود است.

اصول اساسی نرمش قهرمانانه و تفاوت آن با دیپلماسی انفعالی

با توجه به آنچه در تعریف و تبیین موضوع از نظر رهبری معظم بیان شد، روشن می‌شود که ایشان در کنار نرمش، معتقدند در تعاملات سیاسی باید از سستی و ضعف به شدت اجتناب کرد. ایشان انفعال در برابر دشمن را هرگز نمی‌پسندند. این یک اصل مهم در نرمشی است که قید «قهرمانانه» دارد. ایشان می‌فرمایند: «واقعاً دیپلماسی، دیپلماسی میدان نرمش‌های قهرمانانه است. نرم باشید؛ منتها نرمشی که تیز است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۵/۱۷).

بر این اساس، فرمودند: «یکی از خصوصیات این روحیه (انقلابی)، پرهیز از حالت دفاعی در مسائل سیاسی است. هیچ موضع دفاعی‌ای، موضع خوبی نیست؛ موضع بسیار بدی است. موضع، باید موضع قوی و متعزّضانه باشد» (همان).

مرور حوادث تاریخ اسلام و آموزه‌های قرآن کریم این اندیشه را تأیید می‌کند. مشرکان تلاش و کوشش بسیار می‌کردند تا با رسول خدا ﷺ وارد مذاکره شوند و با وعده و وعید، او را وادار به انعطاف و نرمش کنند. خدای متعال می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فُيُدْهُنُونَ» (قلم: ۹)؛ آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها هم نرمش نشان دهند؛ نرمش و انعطاف در صرف‌نظر کردن از قسمتی از فرمان‌های خدا به خاطر آنان.

وظیفه روشن است خدای متعال، اول وظیفه را مشخص کرده، بعد راهبرد دشمن را مطرح می‌فرماید در آیه قبل آمده است: «فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ» (قلم: ۹)؛ از این تکذیب‌کنندگان اطاعت و پیروی مکن؛ یعنی دشمنان تو دروغ‌گویند و حق را که می‌شناسند، دروغ معرفی می‌کنند. به آنها هرگز اعتماد نکن و هیچ انعطافی را نشان نده. بعضی نقل کرده‌اند که ولید بن مغیره، که از سران بزرگ شرک بود، اموال بسیاری را به پیامبر ﷺ عرضه داشت و سوگند یاد کرد که اگر پیامبر اکرم ﷺ از آئینش بازگردد این اموال را به او خواهد داد! (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۶۷۱۰). از لحن آیات و آنچه در تاریخ آمده، استفاده می‌شود که وقتی مشرکان کوردل سرعت پیشرفت اسلام را دیدند به فکر افتادند که از طریق دادن امتیازاتی به پیامبر ﷺ، او را به نوعی به سازش بکشانند. همانگونه که روش همه طرفداران باطل در طول تاریخ همین بوده است. لذا گاه اموال عظیم، و گاه زنان زیبا، و گاه پست و مقام برجسته پیشنهاد می‌کردند. دشمنان دوست دارند که ما کمی از دینمان مایه بگذاریم، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند، و هریک درباره دین دیگری، مسامحه روا بدارند.

اما آنان که از پیامبر ﷺ توقع انعطاف داشتند، چه کسانی بودند؟ با اینکه در آیه هشتم سوره قلم، به اجمال دشمن معرفی شد، اما آیات بعد، سیمای واقعی آنان را مفصل ترسیم کرده است که با ویژگی‌های دشمنان امروز جمهوری اسلامی مطابقت دارد. از آیه ۱۰ الی ۱۵ سوره قلم، انسان‌های پیچیده‌ای معرفی شده‌اند که برای رسیدن به مقاصد دنیایی خود، از هیچ رفتاری روی‌گردان نیستند؛ کسانی که از مقدسات مایه می‌گذارند و با سوگند و شعارهای زیبا، خود را حق جلوه می‌دهند؛ آنان که با بدگویی، سعایت و دو به هم زنی، برای ایجاد مفسده بین اعضای جامعه انسانی تلاش می‌کنند، جلوی رسیدن خیر به مردم را می‌گیرند و ملت‌ها را از معارف ناب الهی محروم می‌کنند، کسانی که ظلم و بیداد را از حد گذرانده‌اند و از هیچ تجاوزی به حریم و حقوق دیگران ایابی ندارند. کسانی که گناه و

روح فساد شاخصه آنان است؛ درشت‌خویان و خشن‌هایی که در راه باطل به هر خشونت و خصومتی دست می‌یازند. مردمانی که اصل و نسب درستی ندارند و در پستی و شرارت مشهورند. اینها، کسانی هستند که سوگند یاد می‌کنند دنبال حقیقت هستند و خیر خصم خود را می‌خواهند. اینان پیامبر ﷺ را به کنار آمدن با خود و مدهانه دعوت می‌کردند.

با این بیانات، خدای متعال شدت زشتی انعطاف در برابر چنین دشمنانی را نشان داد. قرآن بارها به پیامبر ﷺ هشدار داده که هرگز کمترین انعطافی در برابر این پیشنهادهای انحرافی از خود نشان ندهد، و با اهل باطل، هرگز مدهانه نکند و حتی از یک کلمه وحی هم کوتاه نیاید: «...وَ احْذَرَهُمْ اَنْ يُفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ اِلَيْكَ» (مائده: ۴۹)؛ ... و بر حذر باش که تو را حتی از بعضی آنچه خدا بر تو نازل کرده، منحرف نسازند.

خدای متعال حضرت ابراهیم و پیروان مؤمن او را الگوی عدم انعطاف در اصول و مبانی معرفی کرده و از همگان خواسته است حتی در تعامل با قوم خود هم از اصول اغماض نکنند:

«فَدَكَانَتْ لَكُمْ اَسُوَّةً حَسَنَةً فِى اِبْرَاهِيْمَ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ اِذْ قَالُوْا لَقَوْمِهِمْ اِنَّا بُرَاۗءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ كَفَرْنَا بَكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ اَبَدًا حَتّٰى تُوْمِنُوْا بِاللّٰهِ وَ حُدَّةً» (ممتحنه: ۴)؛ مسلماً برای شما در ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشقی نیکوست، آن‌گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم، ما به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه تا زمانی که به خدای یگانه ایمان بیاورید، ادامه دارد.

درست است که حضرت ابراهیم ﷺ، برای جلب نظر مشرکان و دشمنان عقیده‌اش، حتی با نمرود هم مناظره و مذاکره کرده، ولی هرگز در اصول، انفعالی از خود نشان نداد.

بعضی از تحلیل‌گران استراتژیست، همین نکته را در عصر ما مورد توجه قرار داده، به تلاش دشمنان نظام اسلامی برای ایجاد موضع انفعالی و کشاندن مذاکرات از سطح «ایدئولوژی» به سطح «استراتژی» و مادی کردن علل تقابل اشاره کرده، و یادآور شدند که سال‌ها پیش، آمریکایی‌ها چشم‌انداز خود را فروپاشی شوروی، چین و ایران در نظر گرفتند. سی سال تلاش کردند تا شوروی را به پای میز مذاکره کشانند و آنها را به «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» ترغیب و در نهایت، راضی کردند و وارد عرصه زندگی روس‌ها شدند. شوروی از حوزه ایدئولوژیک به استراتژیک رفت و تقابل ایدئولوژیک، تبدیل به تقابل تعداد موشک و کلاهک هسته‌ای شد. و در نهایت، لیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری کوتاه نیامد، مارکسیسم نابود شد. سوسیالیست‌ها زانو زدند؛ چون دست از حوزه ایدئولوژیک خود برداشته بودند.

به نظر این تحلیل‌گر، چنین برنامه‌ای در مورد چین و کوبا در حال اجراست. در مورد ایران هم،

دشمنان همین روش را دنبال می‌کنند. لبرالیسم از موضع اعتقادی خود کوتاه نیامد. اکنون نیز، ایستاده و می‌خواهد ما را از سطح ایدئولوژی به سطح استراتژیک آورده، در این سطح به زمین بزند (حسن عباسی، ۱۳۹۳/۵/۸ و ۱۳۹۴/۵/۱۶).

برای پیشگیری از وقوع چنین فاجعه‌ای، رهبری معظم انقلاب در مورد مذاکره با دشمن تأکید کردند که هرچه دولت و ملت مقابل دشمن عقب‌نشینی کنند، او جلو می‌آید؛ زیرا آنها زیاده‌طلبند و به چیزی کمتر از سلطه بر ملت‌ها قانع نمی‌شوند. ایشان براساس این شناخت، فرموده‌اند: «باید دیوارهای مستحکمی از عزم و توکل و اقتدار ملی در مقابل آنها به‌وجود آورد ... و تنها راه مقابله با دشمن وقیح، عزم راسخ و عدم انفعال است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۲/۳۰).

با چنین بینش و عملکردی، نرمش به جای انفعالی و ذلیلانه بودن، قهرمانانه و مقدمه‌پیروزی خواهد بود.

براین اساس رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

در این سال‌ها جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی هم آشکار شده. البته نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ اینها را باید رعایت کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

شناخت دقیق دشمن در نرمش، تأمین‌کننده پایبندی به اصول

بر اساس آنچه گذشت، یکی از مهم‌ترین نکات قابل توجه در این نرمش خاص، شناخت دقیق دشمن، نقشه‌ها و برنامه‌های اوست. گاهی شناخت دشمن، شناخت توانایی‌های اوست؛ گاهی نوع نگاه و اعتقاد او به جبهه مقابل خود است. ما باید بدانیم که دشمن نسبت به اعتقادات، مقدسات، آرمان‌ها و اهداف ما چه نگاهی دارد. با درک این حقیقت راهگشا و بصیرت‌آفرین، ایشان در همان سخنرانی نرمش را مطرح کرده‌اند: ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی... اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یک جاهایی به دلیل فتنی نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار می‌کنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله طرف آنها کجای مسئله است؛ این را توجه داشته باشند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

خدای متعال می‌فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مَنْ دُونَهُمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» (انفال: ۶۰)؛ و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرت و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد بترسانید.

بنابراین، در چرخش‌ها و نرمش‌ها، نه تنها دشمن آشکار، که دشمنان پنهان را نیز باید مورد توجه قرار داد و توان و نیرو را برای دشمن آشکار و پنهان آماده کرد؛ دشمنانی که بعضی از آنان را خدای متعال در سوره منافقون معرفی کرده است:

«وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ...» (منافقون: ۴)؛ چون آنان را ببینی جسم و ظاهرشان [از آراستگی و وقار] تو را به شگفت آورد، و اگر سخن گویند [به علت شیرینی و جذابیت کلام] به سخنانشان گوش فرا می‌دهی.

اما به لطف و عنایت خدا این دشمنان به ظاهر دوست و دورو، ترسو و بزدلند؛ زیرا در ادامه آیه می‌فرماید: «...كَانَهُمْ خُشْبٌ مَسْنَدٌ يَحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ فَاتْلُوهُمْ اللَّهُ أَلَمْ يُؤَفِّكُونَ» (منافقون: ۴)؛ [اما از پوچی باطن، سبک‌مغزی و دورویی] گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیواری تکیه دارند، هر فریادی را به زبان خود می‌پندارند. اینان دشمن واقعی‌اند؛ از آنان پرهیز؛ خدا آنان را بکشد؛ چگونه منحرف می‌شوند.

خدای متعال در این هشدار، این ترس‌های دنیا طلب را دشمن مسلمانان معرفی کرده، از مؤمنان و رهبری جامعه اسلامی می‌خواهد که از آنان دوری کنند و در محفل اسرار خود آنان را راه ندهند. پیروان قرآن و معارف ناب اسلامی، باید بدانند که دشمنان با شاخص‌های انقلاب اسلامی، همانند امام خمینی ره و اندیشه‌های او سر ستیز دارند و در مبارزه با انقلاب، به دنبال نابودی چنین بنیان‌هایی هستند. رهبر انقلاب در تبیین این مهم می‌فرماید:

هیچ کس در چشم این دشمنان منفورتر از چهره درخشان و آفتاب فروزان امام بزرگوار ما نبود؛ برایش احترام قائل بودند، اما از ته دل دشمنش بودند؛ به‌خاطر اینکه ایستاده بود، به‌خاطر اینکه امام با دو خصوصیت بی‌نظیر «بصیرت کامل» و «قاطعیت تمام» - هم خوب می‌دید و درست می‌فهمید، هم قاطع می‌ایستاد - سدی بود در مقابل پیشرفت اینها و در مقابل ناخن زدن و نیش زدن و ضربه زدن اینها؛ لذا با او دشمن بودند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

امروز هم همین جور است؛ هر کسی که در پایندی به این ارزش اصولی و اصلی، یعنی ارزشی که هویت سیاسی انقلاب را معین می‌کند: «لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تَظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹)، پایبندتر باشد و بفهمد که فهرست مشکلات تولیدشده و ایجادشده دشمنان علیه نظام اسلامی در این

چارچوب می‌گنجد، هرکسی با یک چنین بینشی و با ایستادگی در این راه باشد همان قدر برای آنها مبنغوض است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

روشن است که مشی دشمن تغییر نکرده و همهٔ هویت دینی ما را نشانه رفته است. خدای متعال چهره دشمنان مؤمنان را معرفی کرده و به کسانی که به آنها علاقه نشان می‌دهند، هشدار می‌دهد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خِيَالًا وَدُؤًا مَا عَسَمْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۱۱۸)؛ ای اهل ایمان! از غیر خودتان برای خود محرم راز نگیرید؛ آنان از هیچ توطئه و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند؛ شدت گرفتاری و رنج و زیان شما را دوست دارند؛ تحقیقاً دشمنی [با اسلام و مسلمانان] از لابلای سخنانشان پدیدار است و آنچه سینه‌هایشان [از کینه و نفرت] پنهان می‌دارد، بزرگ‌تر است. ما نشانه‌ها [ی دشمنی و کینه آنان] را اگر می‌اندیشید برای شما روشن ساختیم.

در آیه بعد، خدای متعال مؤمنان را از ارتباط محبت‌آمیز با کینه‌توزان برحذر داشته، می‌فرماید:

«هَا أَنتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ وَ تُمُونُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقَّوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ الْأَنْمَالَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران: ۱۱۹)؛ شما کسانی هستید که آنها را دوست می‌دارید، اما آنها شما را دوست ندارند، در حالی که شما به همهٔ کتاب‌های آسمانی ایمان دارید و هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند (به دروغ) می‌گویند ایمان آورده‌ایم. اما هنگامی که تنها می‌شوند از شدت خشم بر شما سر انگشتان خود را به دندان می‌گزیند، بگو: بمیرید با همین خشمی که دارید، خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.

دشمنان مؤمنان حسودند و سربلندی و بهره‌مندی آنان را نمی‌توانند ببینند: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...؛ به مردم در برابر آنچه خدا از فضلش به آنها بخشیده، حسد می‌ورزند...» (نساء: ۵۴).

قرآن به نیکی راه و روش تعامل با دشمن را روشن می‌کند. پس، در مسیر دشمن‌شناسی باید مراقب همه رفتارهای دشمن بود و راهبردهای او را درک، در یک چارچوب کلان و منطقی، مواضع و رفتارهای او را به دقت، زیر نظر داشت و بررسی کرد.

بر اساس آنچه بیان شد، مهم این است که علت دشمنی را بفهمیم تا در مذاکره و نرمش، از معیارها تخطی نکنیم. رهبر انقلاب می‌فرماید: «علت دشمنی، اشخاص نیستند، علت دشمنی، این حقیقت و این هویت است. همهٔ آنچه که می‌گویند در این چارچوب باید تفسیر و تحلیل بشود، در این چارچوب باید فهمیده بشود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

لوازم نرمش مطلوب

نکته قابل توجه در تعاملات سیاسی و مذاکرات بین‌المللی، داشتن ادب و شخصیت قابل احترام است.

رعایت احترام و ادب در سخن گفتن، نامه نوشتن و هر نوع برخورد مبنای اساسی در تعاملات و روابط جهانی است. برخی ممکن است برای اینکه قوی جلوه کنند، سعی می‌کنند حریف را تحقیر کرده، یا با ناسزا گفتن او را تخریب کنند. این روش نادرست است.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی معتقدند که یکی از اصول مهم در تعاملات اجتماعی و سیاسی، این است که بدانیم:

آرمان‌گرایی را با پرخاشگری اشتباه نکنیم؛ تصور نکنیم که هر کس آرمان‌گراتر است، پرخاشگرتر و دعواکن‌تر است؛ نه. می‌توان به‌شدت پایبند به آرمان‌ها و پایبند به اصول و به ارزش‌ها بود، در عین حال پرخاشگر هم نبود. در آیه شریفه می‌فرماید: «اشدء علی الکفءار» (فتح: ۲۹). «اشدء» جمع «شدید» است. شدید یعنی سخت، سخت یعنی نفوذناپذیر. هر جسمی که سخت‌تر باشد، وقتی با جسم دیگری اصطکاک پیدا کرد، در آن جسم دیگر اثر می‌گذارد، اما از آن جسم اثر نمی‌پذیرد. همه‌مان این‌جوری باشیم؛ اشدء باشیم. اما شدید بودن، اثرگذار بودن، لزوماً به معنای دعوایگر بودن و پرخاشگر بودن نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

این راهبرد متعالی اخلاقی، باید در یک نرمش قهرمانانه مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو، ایشان می‌فرمایند: گاهی نامه‌هایی برای ارسال به این طرف و آن طرف می‌آورند و می‌خواهند که من نظر بدهم. من حرف‌های تندش را خط می‌زنم. آقای دکتر ولایتی می‌دانند. بعضی از عباراتی که الان مسئولان سرزبان‌شان است و در سخنرانی‌های خود، اینجا و آنجا می‌گویند، من نه در زمان ریاست جمهوری به زبان می‌آوردم و نه حالا به زبان می‌آورم. نمی‌خواهم بگویم تند‌های بی‌وجه بکنید و بگویید: فلانی می‌گوید فحش بدهید. نخیر، اشتباه نشود. در مسائل دیپلماسی و در سخنرانی، در اینجا و آنجا، نه من خودم اهل فحش دادن هستم و نه این را به دیگران توصیه می‌کنم. من می‌گویم: شما تیزتر از شمشیر و نرم‌تر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشید. واقعاً دیپلماسی، دیپلماسی میدان نرمش‌های قهرمانانه است. نرم باشید؛ متها نرمشی که تیز است. نمی‌گویم بروید بایستید بگویید: مثلاً امریکای جنایتکار. غالباً وقتی تعبی‌های اینطوری در نامه می‌آید، من خط می‌زنم. نه نامه‌هایی که خودم می‌خواهم بفرستم، آن را که خودم می‌نویسم، بعضی از نامه‌هایی که بناست فرستاده شود و من باید رویشان اعلام موافقتی بکنم، وقتی پیش من می‌آید، این‌طور چیزها را من معمولاً حذف می‌کنم؛ چون دوست ندارم. این روش را توصیه نمی‌کنم. اما باید قرص بایستید و محکم باشید (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۷/۱۵).

خدای متعال به مسلمانان امر می‌کند:

«وَلَا تَسِبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسِبُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۰۸)؛ و معبودانی را که کافران به جای خدا

می‌پرستند، دشنام ندهید، که آنان هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی اعمالشان را آراستیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود، پس آنان را به اعمالی که همواره انجام می‌دادند، آگاه می‌کند.

به‌عنوان یک قاعده کلی، خدای متعال به متخلق‌ترین بنده‌اش می‌فرماید:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِلَاغِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)؛
[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز.

این آیات، ادب تعامل با دیگران را می‌آموزد که با رعایت آن، احترام به مقدسات جامعه دینی محفوظ مانده، و دستخوش اهانت و ناسزا و یا سخریه نمی‌شود؛ چون این معنا غریزه انسانی است که از حریم مقدسات خود دفاع نموده، با کسانی که به حریم مقدساتش تجاوز کنند، به مقابله برخیزد و چه بسا شدت خشم، او را به فحش و ناسزای به مقدسات آنان وادار سازد. از آنجایی که چون ممکن است مسلمانان برای دفاع از حریم پروردگار، بت‌های مشرکان را هدف دشنام خود قرار داده، در نتیجه عصبیت جاهلیت، مشرکان را نیز وادار سازد که حریم مقدس خدای متعال را مورد هتک قرار دهند، لذا به آنان دستور می‌دهد که به خدایان مشرکان ناسزا نگویند؛ زیرا اگر ناسزا بگویند و آنان هم در مقام معارضه به مثل به ساحت قدس ربوبی توهین کنند، در حقیقت خود مؤمنان موجب هتک حرمت و جسارت به مقام کبریایی خداوند شده‌اند.

البته، در عین مؤدب بودن، «در مقابل کسانی که با شما دشمنی می‌کنند و دشمن شما هستند (أَشْدَاءُ) باشید؛ یعنی سخت باشید؛ مثل خاکریز نرم نباشید که دشمن از هرجا خواست بتواند در شما نفوذ کند؛ مستحکم باشید، ایستاده باشید» (مقام معظم رهبری، ۱۹/۱۰/۱۳۹۳).

خدای متعال در مورد اوصاف رسول خدا ﷺ و همراهان او می‌فرماید: «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)؛ در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. اما شدید بودن هم باید درست فهمیده شود. حضرت آیت الله خامنه‌ای، به‌عنوان یک مفسر، سیاست‌مدار الهی و حکیم اسلام‌شناس، شدید بودن در مقابل دشمن را با ظرافتی خاص معنا کرده‌اند:

شدید و شدت به‌معنای سختی است؛ معنایش این نیست که حتماً بایستی دشمن را آدم به کلی پایمال کند و سرکوب کند؛ نه، یک وقت اقتضای سرکوبی دارد، یک وقت هم اقتضای سرکوبی ندارد. اما در همه حال باید در مقابل دشمن سرسخت بود (مقام معظم رهبری، ۳۱/۵/۱۳۸۸).

از این رو، لازم است در این نرمش، صلابت، اقتدار، دوری از هیجان، پرهیز از ایجاد التهاب و رعایت مقتضیات زمان در چارچوب هدف مراعات شود. به همین دلیل، باید بین واقع‌گرایی و آرمان‌خواهی،

توازن برقرار شود و ذیل سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، قدرت مانور بین «اقتدار» و «انعطاف»، فراهم می‌آید. چنین ابتکاری، ضمن اینکه راستی آزمایی طرف مقابل نیز هست، موجب می‌شود که دیگران حقیقت دو طرف درگیری را خوب بشناسند.

نکته مهم دیگر، داشتن تاکتیک مناسب در هر عصر و زمان است. اگر دولت‌ها و مدیران اجرایی ابتکار لازم را نداشته باشند، حصول نتیجه سخت خواهد بود. به همین دلیل، مقام رهبری دست مجریان سیاست را در اجرای تاکتیک باز گذاشته و می‌فرماید: «البته هر دولتی، هر شخصی، هر شخصیتی، روش‌هایی دارند، ابتکاراتی دارند، این ابتکارات را انجام خواهند داد و [کار] پیش خواهد رفت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

بنابراین، نرمش قهرمانانه، نه تخاصم جاهلانه است و نه سازش منفعلانه، بلکه تاکتیکی معقول، سازمان یافته و سنجیده است که به قهرمان شدن منجر خواهد شد.

نقش نرمش قهرمانانه در رسیدن به هدف

صلح حدیبیه با مذاکره بین رسول خدا ﷺ و مشرکان به دست آمد. قرآن در سوره فتح به این صلح اشاره کرده است. این سوره، در بخش قابل توجهی به برکات صلح حدیبیه اشاره دارد: اولاً، یک صلح را خدای متعال «فتح مبین» می‌نامد؛ تعبیری که قرآن راجع به هیچ‌یک از جنگ‌های پیروزمند پیامبر نکرده است. نرمشی که بعضی مفسران به تبع قرآن آن را «فتح حدیبیه» نام نهاده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۳۲). برخی اصحاب رسول خدا ﷺ در بازگشت از حدیبیه، بدون انجام عمره، در مقابل حضرت که از نزول سوره فتح خوشحال بود، ایستاده، گفتند: این چه فتح و پیروزی است؟ از زیارت خانه خدا منع شدیم و قربانی‌هایمان بازگشت! رسول خدا ﷺ فرمود: «این سخن بسیار زشت است، این پیروزی «اعظم الفتوح» بود (حویزی، ۱۴۱۵هـ.ق، ج ۵، ص ۴۸).

بر اساس این نقل، رسول خدا ﷺ به نکات مهمی که پیامد این نرمش و تاکتیک بود، اشاره کردند: مشرکان راضی شدند که شما را از سرزمین خود به خوبی و خوشی دور کنند (بدون جنگ و خون‌ریزی)، از شما چیزی بخواهند (و با چیزی دادن چیزی درخواست کنند)، تمایل پیدا کردند به شما امان بدهند و از شما رفتاری (غیر از جنگ و ستیز) دیدند که خوشایند آنها نبود» (همان). بعضی نیز گفته‌اند:

فتحی بزرگتر از حدیبیه نبوده؛ زیرا سبب شد مشرکان با مسلمانان در آمیختند و سخنانشان را شنیدند و اسلام در دل‌هایشان جا گرفت و در مدت سه سال، جمع بسیاری مسلمان شدند و شمار طرفداران اسلام زیاد شد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۳۲).

این نرمش قهرمانانه برای پیامبر و مسلمانان برکات فراوان دیگری هم دربر داشت: این صلح نشانه اعتراف قریش به حکومت پیامبر بوده و مسلمانان را از جنگ‌های مکرر قریش نجات داد، شوکت قریش را شکست، مجال بروز کینه‌های قریش نسبت به پیامبر گرفته شد و پس از صلح، پیامبر توانستند با خاطری آسوده به سراغ یهودیان رفته و قلعه‌های خیبر را فتح نمایند. همچنین پس از صلح، پیامبر طی نامه‌هایی به سران قدرت‌های بزرگ عصر خود، آنان را با لحنی قاطع به اسلام دعوت نمودند؛ نیز پس از این صلح، پیامبر سپاهی عظیم را به سرحدات روم فرستادند و جمع کثیری به اسلام گرویده، مسلمان شدند و سرانجام مکه نیز فتح شد.

نمونه دیگر نرمش امام رضا^{علیه السلام}، در برابر مأمون عباسی است که نتایج پرشماری داشت. از جمله:

۱. ایجاد فرصت برای امام^{علیه السلام}، خاندان و یارانش برای تبیین معالم دین، احیای سنت پیامبر و ترویج منش و روش اهل بیت^{علیهم السلام} در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی؛
۲. فراهم شدن فرصت برای علویان و انقلابیون شکست خورده در قیام‌ها، برای بازسازی خود و بسیج نیرو و توانمندی‌ها؛

۳. سخن گفتن آشکار از امامت بر مبنای امامیه در سطح گسترده در جهان اسلام و دریدن پرده غلیظ تقیه و رساندن پیام امامت به گوش همه مسلمانان؛

۴. اعتراف دشمن به حقانیت امام؛ چنان‌که مأمون فضایل اهل بیت را برمی شمرد و از مظلومیت اهل بیت^{علیهم السلام} و از ستم‌های حاکمان پیشین بر آن خاندان سخن می‌گفت؛

۵. به رخ کشیده شدن توان علمی و فکری امام مورد نظر تشیع، در مناظره‌های آزادانه. همه اینها، با یک نرمش حاصل شده و سرسختی، نتیجه‌اش از دست رفتن همه این برکات بود. اینکه امام^{علیه السلام} الگوی زندگی صحیح در همه عرصه‌هاست، در چنین رفتارهایی، حقانیتش به روشنی آشکار می‌شود (ر.ک: حکیم و حسینی، ۱۳۸۵؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۶۳/۵/۱۸).

با توجه به تعالیم قرآن و تجربه‌های تاریخ اسلام، می‌توان گفت: نرمش قهرمانانه ابزاری مهم برای تأمین اهداف یک نظام مبتنی بر عقلانیت است. بر این اساس گفته شده چنین نرمشی، قهرمانانه و مانوری هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، با بهره‌گیری در تعالیم و حیوانی و سیره سیاسی پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و اهل بیت^{علیهم السلام} می‌فرمایند: «سالک راه خدا، در هر نوع سلوکی، به سمت آرمان‌های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می‌کند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

بر این اساس، خدای متعال نرمش قهرمانانه و عقب نشینی تاکتیکی را مجاز کرده است (انفال: ۱۶). رهبر حکیم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «هرگونه حرکتی، چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب، مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

برای تأمین این هدف در جنگ، حتی گاهی مکر و حيله جایز است و همیشه نباید همه قدرت را به کار گرفت. از رسول خدا ﷺ نقل شده، که می‌فرماید: «الحرب خدعة» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۶۳) علی ﷺ در مبارزه با عمرو بن عبدود، وقتی او از جنگ با جوانی مثل علی ﷺ ابراز ناراحتی می‌کرد، آن حضرت به او فرمود: «ولی من دوست دارم تو را بکشم». عمرو خشمگین شد و به حضرت حمله کرد. علی ﷺ بلافاصله فرمود: من نیامدم با دو نفر مبارزه کنم، عمرو به پشت سرش نگاه کرد که ببیند نفر دوم کیست که به پشتیبانی او آمده است. در همین لحظه علی ﷺ پرید و او را با شمشیر زد. عمرو گفت: «حيله کردی». حضرت فرمود: «الحرب خدعة» (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۷). امام ﷺ با یک تاکتیک کوچک، قوی‌ترین مرد عرب را به زانو درآورد. نرمش در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، چنین تاکتیک و نقشه پیروزی بخشی است.

بنابراین، این نوع نرمش یک برنامه و تاکتیک برای دستیابی به هدف است و در سراسر زندگی و یا در میدان مبارزه، باید مورد استفاده قرار گیرد. آنچه مهم است، برنامه داشتن و هماهنگ بودن در اجرای این راهبرد در قالب تاکتیک عملیاتی دقیق است. چنان‌که رهبر انقلاب در بخشی از سخنان خود، در تبیین راهبرد نرمش فرموده‌اند:

برای هر نظامی اهدافی وجود دارد؛ نظام اسلامی در هر مرحله‌ای یکی از این اهداف را دنبال می‌کند. برای پیشرفت، برای رسیدن به نقطه تعالی و اوج، برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی؛ باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد. البته مرحله‌گذاری است، قطعه قطعه است. راهنمایان هادیان، متفکران و مسئولان مربوط، این قطعات را معین می‌کنند. هدف‌گذاری می‌کنند. حرکت جمعی آغاز می‌شود. همه باید تلاش کنند که هر حرکتی در هر مرحله‌ای به اهداف خودش برسد. این آن نظام صحیح حرکت منطقی [است]. این را همه فعّالان عرصه سیاست و مدیریت کلان کشور باید همواره به یاد داشته باشند؛ احاد مردم، شما عزیزان بسیجی، فعّالان عرصه بسیج، هم باید این را همواره به یاد داشته باشید (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

بنابراین، گرچه نرمش یک برنامه در مسیر رسیدن به هدف است، ولی وجود برنامه، هماهنگی همفکران، و هم افزا شدن تلاش‌ها، نتیجه مطلوب به دست می‌دهد؛ در غیر این صورت پیامدی جز شکست ندارد.

نتیجه‌گیری

داشتن راهبردهای حکیمانه در سیاست خارجی که منشأ الهی داشته باشد، بسیاری از مشکلات روابط خارجی را رفع می‌کند. از جمله این راهبردها در وضعیت کنونی نظام اسلامی و جهان، نرمش قهرمانانه است که فهم درست و رعایت اصول و ضوابط آن، می‌تواند منافع ملی و عزت و سربلندی جمهوری اسلامی را تضمین کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، علاوه بر ترسیم راهبرد، ابعاد، زوایا، اصول و ضوابط لازم الاجرا در این راهبرد را بیان می‌کنند که در صورت عملیاتی شدن این دیپلماسی هنرمندانه، امروزه منافع مادی و معنوی نظام اسلامی در جهان تأمین خواهد شد. رهبری معظم، علاوه بر تبیین مفهومی، ملاک‌های تعامل با اجانب را بر اساس تعالیم و حیاتی ترسیم کرده، رعایت ادب و نزاکت را در گفته‌ها و نوشته‌ها لازم دانسته و در عین حال بر سخت بودن و دشمن‌شناسی دقیق تکیه کرده‌اند. ایشان که نرمش را لازمه پیشبرد اهداف سیاسی می‌دانند، بر سخت و تیز بودن و پایداری به مبانی اساسی تأکید خاص دارند. افزون بر این، به مدیران سیاسی میدان داده تا به سبک خود تاکتیک را عملیاتی نموده و از مردم، به ویژه نیروهای تأثیرگذار خواسته‌اند که همکاری و همدلی لازم را داشته باشند. در صورت رعایت همه جوانب مبانی و راه‌کارهای تبیین شده، نرمش مورد نظر ایشان، چنان‌که فرموده‌اند، پیروزی و قهرمانی را در پی خواهد داشت.

منابع

- آل‌یاسین، راضی، ۱۳۷۱، *صلح امام حسن پر شکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ*، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، تهران، آسیا.
- ابن قدامه، عبدالله، بی‌تا، *المعنی*، بیروت، دارالکتب العربی.
- حکیم، منذر، و شهاب‌الدین حسینی، ۱۳۰۸، *پیشوایان هدایت، جلد دهم «حضرت امام رضا (ع) ثامن الائمه»*، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- خامنه‌ای، سیدعلی، مجموعه سخنرانی‌ها، <http://farsi.khamenei.ir/speech>
- _____، *پیام به کنگره‌ی علمی بین‌المللی امام علی بن موسی الرضا (ع)*، ۱۳۶۳/۵/۱۸، <http://khamenei.ir>
- سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، چ هفدهم، بیروت، دارالشروق.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۶۵، *تهذیب الاحکام*، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عباسی، حسن، سخنرانی، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۳/۵/۸، کد خبر ۳۶۵۳۷۵، خبرگزاری دانشجو، snn.ir.
- _____، سخنرانی، دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۹۴/۵/۱۶، شناسه خبر: ۴۳۰۹۱۶، خبرگزاری دانشجو، snn.ir.
- قرطبی، محمدبن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).